



۷

## فرهاد در راه خودش

بی شک قرار نیست فرهاد مجیدی مو به مو مشغول اجرای ایده‌های استراماچونی باشد. این انتظار بی جایی است که منتظر ادامه راه استراماچونی توسط مجیدی باشیم اما هوادارانی که با تیم استراماچونی و با نشانه‌های فنی آن تیم امیدوار شده بودند، شاید ناخودآگاه منتظر بودند همان روند امیدوارکننده ادامه داشته باشد.

فرهاد مجیدی اما باید خیلی زود مسیرهای تازه را برای تیمش پیدا می‌کرد. او با استقلالی که حتی زمین تمرین مناسب نداشت، نمی‌توانست ایده‌های خودش را به تصویر بکشد. مجیدی پس از پیروزی مقابل الکویت به درستی از آندره‌آ استراماچونی و نقش او در تیم تشکر کرد و این شاید آخرین تشکر لازم از استراماچونی بود. او حالا باید تیم ساختن با ایده‌های خودش را آغاز می‌کرد.

بله، کار ساده‌ای نیست. فرهاد مجیدی اولین تجربه جدی خود را پست سر می‌گذارد و پس از آن چند بازی سرمربیگری موقت بعد از وینفرد شفر، حالا مسئولیت جدی‌تری را در استقلال بر عهده دارد. مجیدی وقتی به استقلال رفت، حتی هواداران را همراه خود نمی‌دید. او با واکنش هواداران مواجه شد و به خوبی دید که جلب پسند هواداران در مربیگری با جلب لایک در اینستاگرام تفاوت‌های اساسی دارد. او همیشه از ساختن استقلال رویایی خود با همراهی هواداران حرف می‌زد اما حالا شاید بهتر بداند که حرف زدن از استقلال رویایی، خود رویاپردازانه است. رویای مربی می‌تواند بزرگ باشد اما رسیدن به رویاها جز پله پله و قدم به قدم راهی ندارد.

برای فرهاد تعطیلات فوتبال به دلیل شیوع کرونا شاید فرصتی طولانی برای مرور ایده‌های تازه بود اما در آن آشفته‌گی اتفاق بزرگی در استقلال رخ نداد و استقلال نتوانست خود را در رقابت قهرمانی، با حریف اصلی تنه به تنه کند.

آخرین وعده‌های فرهاد مجیدی به هواداران هنوز کوششی برای زنده ماندن رویای موفقیت در همین فصل است، رویای موفقیت در لیگ قهرمانان و جام حذفی اما از یاد نبریم که فارغ از وعده‌ها، استقلال شاید سهمیه حضور در لیگ قهرمانان فصل بعد را از دست بدهد و این می‌تواند گران تمام شود.

واقعیت این است که استقلال را دچار تردید درباره برنامه‌های فصل آینده‌اش می‌بینیم. این تردید شاید بزرگتر شود و شاید از یاد برود. فرهاد مجیدی همچنان در میزبان این تردید درباره آینده نیمکت استقلال نقش بازی می‌کند.

## وقتی استراماچونی نمی‌خواست جای مجیدی باشد

استراماچونی نمی‌خواست اولین جلسه تمرین در نیم‌فصل دوم را آنطور که فرهاد مجیدی گذراند، پشت سر بگذارد. بخشی از جدل استراماچونی با باشگاه استقلال بر سر همین بود. فرهاد اولین جلسه تمرین استقلال در نیم‌فصل دوم را در شرایطی برگزار کرد که چند بازیکن استقلال غایب بودند یا دیر هنگام با چهره‌های اخمو و طلبکار به محل تمرین رفتند. این آغاز برای استراماچونی، آغاز یک مسیر موفقیت‌آمیز معنا نمی‌شد و رفتار مالی باشگاه با بازیکنان، خودش و همکارانش برای او قابل پیش‌بینی بود. فرهاد مجیدی هم البته می‌داند که این آغاز دردسرهاست، نه آغازی برای موفقیت‌ها.

باشگاه استقلال باز هم درباره اینکه در روز تعطیل نتوانست پول‌ها را واریز کند یا با عبارت معروف پول‌ها هنوز به حساب ننشسته است، روزها را سپری کرد و این رفتار همان چیزی بود که مورد انتقاد استراماچونی قرار می‌گرفت. فرهاد مجیدی خوب می‌داند که این رفتارها چه آسیب‌هایی برای تیمش دارد و اگر می‌خواهد در این فصل دنبال موفقیت‌های بزرگی باشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه در مقابل این رفتارهای باشگاه سختگیر و جدی رفتار کند.

فقط با تکرار سیستم استراماچونی و چیدن ۳ مدافع نمی‌توان موفقیت‌ها را تکرار کرد بلکه آنچه استراماچونی برای ادامه موفقیت لازم می‌دانست، نه فقط انتخاب سیستم برای بازی، بلکه پایبندی باشگاه به تعهداتش بود. استراماچونی در شرط‌هایی که برای بازگشت تعیین کرد، فقط پرداخت دستمزد خودش را در نظر نداشت، بلکه پرداخت بدهی‌های معوقه بازیکنان، پرداخت‌های منظم در ادامه فصل و خرید بازیکن به مبلغ ۹۰۰ هزار دلار نکته‌هایی بودند که او را در مسیر قهرمانی قرار می‌دادند. برای استراماچونی این نکته اهمیت داشت که در بازگشت بتواند فصل را با قهرمانی تمام کند و تشخیص او این بود که برای قهرمانی ابزارهایی لازم است. فرهاد مجیدی از باشگاه استقلال تضمین حمایت خواسته و خلیل‌زاده نیز این حمایت را تضمین کرده است اما مهم‌تر از حمایت در ناکامی‌ها، حمایت برای موفقیت‌هاست و این با تغییر رفتار مالی باشگاه ممکن است.

فرهاد مجیدی، پسر دوست‌داشتنی استقلال است، ستاره‌ای که فرزند این باشگاه محسوب می‌شود و این نکته می‌تواند بسیاری از مشکلات را به فراموشی بسپارد. فرهاد مجیدی هرگز نمی‌تواند به اندازه استراماچونی مقابل مدیران باشگاه سختگیر و جدی باشد و مامشات بخش غیرقابل انکار رابطه همکاری تازه بین مجیدی و استقلال خواهد بود اما با مامشات، قهرمانی به دست نمی‌آید و توقع بزرگ هواداران از مجیدی برآورده نمی‌شود. فرهاد مجیدی در موقعیتی قرار گرفته که چاره‌ای جز بروز سختگیرانه‌ترین رفتارهای حرفه‌ای ندارد.

## حکایت پیوند آندره‌آ و فرهاد

فرهاد سرمربی استقلال شد. پیام آندره‌آ استراماچونی در حمایت از فرهاد مجیدی مفهوم تازه‌ای از دوستی برای فوتبال ایران است، فوتبالی که در روزهایی پر از کینه، به ندرت چنین احساسی را بین چهره‌هایش تجربه می‌کند. آنچه استراماچونی سراسر محبت‌آمیز برای فرهاد مجیدی فرستاد، نشان می‌دهد که مرد سختگیر مقابل مدیران باشگاه در مذاکرات، چقدر دوستانه می‌تواند روابطی را بسازد و چه محترمانه و پراحساس می‌تواند به دوستی‌اش ادامه دهد.

لحن و زبان مذاکرات مدیران باشگاه استقلال با استراماچونی و وکلایش را نمی‌دانیم اما هر چه بود، لابد آنچنان حرفه‌ای و صادقانه نبود که بی‌نتیجه ماند. زبان استراماچونی در گفت‌وگو با فرهاد مجیدی را می‌توانیم ببینیم که او در رابطه‌ای صادقانه با مجیدی چه واکنشی دارد و از چه زاویه‌ای مسائل باشگاه سابق خود را می‌بیند.

در فوتبال ایران به یاد نمی‌آوریم که مربی پیشین یک تیم برای مربی جدید چنین پیام محبت‌آمیز و احساسی بفرستد. حتی اگر استراماچونی کوشش کرده تا با این پیام رابطه خود را با هواداران استقلال حفظ کند و صداقتش را نشان دهد، باز هم این سیاست حرفه‌ای تحسین‌برانگیز است. بخشی از داستان نمایش فوتبال، ساختن همین تصویرهای جذاب و پراحساس است.

اما فقط این پیام استراماچونی راهنمای مسیر تازه مجیدی نیست. نکات دیگری از دوره مربیگری استراماچونی به کار فرهاد می‌آید. فرهاد مجیدی در روزهای پرهیاهویی سرمربی استقلال شد. او می‌تواند بزرگترین آزمون سرمربیگری را در استقلال پشت سر بگذارد و این تجربه‌ای بزرگ و پرماجر را برای اوست. این روزهای سخت باید از او مربی بسازد و این مربی بودن فقط وابسته به نتایجی نیست که او به دست می‌آورد. روند استراماچونی می‌تواند آخرین نمونه برای استقلال باشد که باید برای موفقیت صبر کرد و البته صبر ظاهر ماجراست و باید برای موفقیت به سختی کار کرد. دلیل اعتبار و مقبولیت استراماچونی نزد هواداران فقط نتایج او نبود. استقلال با مربیان دیگری نیز صدرنشینی موقت را تجربه کرده و شاید حتی مربیانی که جام‌ها برای استقلال برده‌اند، به سرعت استراماچونی صاحب اعتبار و محبوبیت نشدند. مسأله این است که استراماچونی توانست با اثرگذاری در دل‌ها جایگاهی برای خود بسازد. او نشان داد که می‌تواند آثار زیادی در تیم داشته باشد و چیزهایی را تغییر دهد. هواداران استقلال حتی در روزهایی که استراماچونی قراردادش را فسخ کرد و مدیران باشگاه را مجبور کرد که بدانند باید رفتار خود را تغییر دهند، باز هم همراه استراماچونی بودند چون می‌دانستند تغییر رفتار باشگاه نیز از الزامات برای گام برداشتن به سوی موفقیت است. فرهاد مجیدی حالا فقط در صورتی می‌تواند در مربیگری مقبول و محبوب باشد که برای اثرگذاری فنی و تغییرات مثبت در باشگاه گام بردارد و این گام‌ها را هوادار ببیند و بشناسد. فرهاد مجیدی برای مربیگری باید از صفر اعتبار جمع کند. او نمی‌تواند به اعتبار دوران فوتبالش و با محبوبیت و مقبولیت آن دوران مربی باشد.

## روزی که فرهاد به استقلال نه گفت

گذشتن از فرصت‌های مربیگری برای ستاره‌ای مثل فرهاد مجیدی هرگز آسان نیست اما او به پیشنهاد باشگاه استقلال نه گفت، در حالی که می‌توانست به این پیشنهاد، حرفه‌ای نگاه کند، آن را یک فرصت حرفه‌ای ببیند و فارغ از آنچه بین هواداران استقلال می‌گذرد، پروژه یک و نیم ساله‌ای را شروع کند. چه بسا او می‌توانست موفق باشد و خیلی زود موج مثبتی را حوالی خود بسازد یا موفق نباشد و تجربه‌ای بزرگ را پشت سر بگذارد. برای مربی شدن چاره‌ای جز تجربه‌های مکرر نیست.

او در همین یک سال اخیر فرصت‌های مربیگری بزرگی را در ایران به دست آورده. تیم امید را پس از مدت کوتاهی همکاری به دلیل دخالت‌های مدیر تیم رها کرد و به استقلال پاسخ منفی داد اما فرهاد مجیدی باید بی‌پرده این نکته را بداند که این فرصت‌ها نه با سوابق مربیگری‌اش، بلکه با اعتبار دوران فوتبال و وجه سلبریتی بودنش به دست آمده و باید خیلی زود تبدیل به فرصت‌هایی شود که فرهاد با ساختن سوابقی موفق در مربیگری به دست می‌آورد.

این اولین بار نیست که فرهاد مجیدی از فرصت سرمربیگری در استقلال گذر می‌کند و به آینده دل می‌بندد. تصمیمش شاید عاقلانه باشد اگرچه مربیان باید در مقابل فرصت‌های بزرگ حریص باشند و از چالش‌های بزرگ نترسند اما تصمیم او این بار همراهی با یک درخواست از سوی هواداران است، هوادارانی که دوست نداشتند ستاره سابق خود را کنار مدیرانی ببینند که منتقد سرسخت رفتار و تصمیمات آنها مقابل آندره‌آ استراماچونی هستند. عقل ترس، همان چیزی است که مجیدی در این تصمیم از خود نشان داد و نوشت که امضای معنوی هوادار را پای دعوتنامه استقلال می‌خواهد.

استقلال بدون فرهاد مجیدی، حالا آسان نمی‌تواند سرمربی جدید را انتخاب کند و شاید تغییرات بزرگتری را در هیأت مدیره این باشگاه ببینیم. حتی بعید است گزینه‌های دیگر نیز ساده بپذیرند که جانشین استراماچونی باشند.

باشگاه استقلال بهترین تجربه ممکن را پشت سر می‌گذارد، همه نشانه‌ها برای درک این نکته که برای هوادار همیشه باشگاه مهم‌تر از هر چهره است، فراهم شده. فرهاد مجیدی محبوب‌ترین بازیکن نسل اخیر هواداران استقلال است اما او را نمی‌پذیرند. گرایش هواداران به استراماچونی نیز هرگز نشانه شیفته‌گی و ناآگاهی نیست، بلکه بهانه‌ای برای نقد روش‌های مدیران باشگاه است.